

داستان مویچک و حضرت سلیمان

۱۱ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۰۴

یکی از ویژگی‌های شاخص کتاب اشاره آن به سخن گفتن حضرت سلیمان با حیوانات است. در این کتاب مویچک پس از آشنایی و هم صحبتی با حضرت سلیمان درس‌ها و آموزه‌های زیادی را از وی یاد می‌گیرد و با راهنمایی این پیامبر خدا مسیر درستی را طی می‌کند.

کتاب «تخت و مورچه» روایتگر داستان مورچه‌ای به نام مویچک است که در هر فصل داستان اتفاقی نو را تجربه می‌کند. مویچک قصه حاضر؛ دنیای بیرون از لانه را بیشتر از زیرزمین دوست داشت. هر وقت بیرون لانه می‌رفت لحظاتی طولانی می‌ایستاد و به خورشید و کوه‌های بلند یا درختان و سنگ‌های بزرگ اطراف نگاه می‌کرد. مورچه‌های دیگر از رفتار و حرکات مویچک تعجب می‌کردند. از همان زمان که به دنیا آمده بود رفتار او با بقیه تفاوت داشت.

در این کتاب نویسنده با خیال پردازی و جان بخشی به موجودات ریزی چون مورچه سعی کرده کودکان و نوجوانان را با خود همراه سازد و در پی هر قصه‌ای که روایت می‌کند آموزه‌های ارزشمندی را به مخاطبان خود تعلیم می‌دهد.

یکی از ویژگی‌های شاخص کتاب اشاره آن به سخن گفتن حضرت سلیمان با حیوانات است. در این کتاب مویچک پس از آشنایی و هم صحبتی با حضرت سلیمان درس‌ها و آموزه‌های زیادی را از وی یاد می‌گیرد و با راهنمایی این پیامبر خدا مسیر درستی را طی می‌کند.

در بخشی از داستان آمده است: با شنیدن حرف‌های هدهد، مویچک دچار وحشت شد و با تعجب گفت: امروز لشگر مورچه‌ها از لانه بیرون زدن و من نمی‌خواهم آنها سلیمان نبی را ببینند.

- بگذار همه با پیامبر خدا آشنا شوند

- مورچه‌ها آن اندازه خوب هستند که نیاز به پیامبر ندارند!

هدهد پرواز کرد و دور شد و مویچک با عجله به سمت لشگر مورچه‌ها راه افتاد. باید به آنها درباره آنچه ظهور می‌کرد هشدار

روشنایی، دوست خوب، ماز آبی، تخت پرنده، محله سنگی، ملکه مادر، هدهد پرنده، زندان، دختر بالدار، دیده به ان، بالاتر از زمین، طاسی، پرواز، خانه سلیمان، میوه سرخ، موچک و سلیمان، دوست و دشمن، باران، عصای چوبی، شب و ستاره، انگشتر، آسایشگاه فردا، فصل تولد، یفر و خانه خورشید از جمله فصل‌های این کتاب هستند که هر کدام روایتی جذاب و خواندنی را برای کودکان و نوجوانان بیان می‌کند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۱۲/سلیمان-حضرت-موچک-داستان>